

تعامل نهادهای اجرایی با مراکز آموزش و پژوهش در اعتلای علوم انسانی

بررسی نقش نهادهای مختلف غیر دانشگاهی اعم از نهادهای دولتی یا غیر دولتی که می‌توانند در سطوح مختلف اشتغال، آموزش و پژوهش، ترویج و در نهایت به‌کارگیری دستاوردهای علوم انسانی در رشته‌های مختلف، باعث ارتقای نقش و جایگاه علوم انسانی شوند، جزو آن دسته از بررسی‌های ضروری و لازمی است که می‌تواند در تقویت نقش و کاربرد علوم انسانی در تعامل با نهادهای مختلف بسیار تأثیرگذار باشد. اما با وجود این اهمیت و نقش اساسی که می‌تواند پررنگ و اثربخش باشد، اولاً به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد این تعامل میان نهادها و دستگاه‌های اجرایی با نهادهای آموزشی و پژوهشی وجود ندارد یا اگر هم وجود دارد بسیار محدود و ضعیف است؛ و دوماً، این مسئله نیز قطعی است که تحقیقات مناسبی که بتواند به‌شکل حقیقی ارزش و اهمیت این تعامل را آشکار کند وجود نداشته و الگویی هم برای شکل‌دهی به چارچوب این تعامل ترسیم نشده است. در برخی مقالات محدود هم که به این موضوع یعنی تعامل میان نهادهای اجرایی با ساختار آموزش و پژوهش در علوم انسانی پرداخته شده، تحلیل‌ها کلی و بر اساس پیشنهادهایی از پیش روشن است که ارزش تحقیقی و کاربردی چندانی در آنها به چشم نمی‌خورد. در مواردی هم که این پیشنهادها شکل علمی و عملی پیدا کرده‌اند، اساساً مطالعه‌ای تک‌رشته‌ای مد نظر بوده و از الگوی به دست آمده از آن نمی‌توان برای همه یا بخش قابل توجهی از رشته‌های علوم انسانی بهره‌برداری نمود.

نکته‌ی قابل توجه، شگفت‌آور و البته تأسف‌برانگیز در برخی از این پژوهش‌ها نیز این است که اگرچه در عنوان برخی از آنها به مطالعه‌ی روابط مراکز آموزش و پژوهش علوم انسانی با سایر نهادها اشاره شده، اما با مرور آنها مشخص می‌شود اولاً رابطه‌ی علوم انسانی با هیچ نهادی غیر از نهادهای دانشگاهی یا حوزوی بررسی نشده و ثانیاً همین مطالعه‌ی جزئی نیز به جز بازنشر سخنان کلی پیشینیان در باب علوم انسانی هیچ مطلب جدیدی را تشریح نکرده است. به بیان بهتر نیازهای سازمانی، ظرفیت‌های اشتغال‌زای نهادهای اجرایی، تقاضای مستقیم و حقیقی نهادها و سازمان‌ها برای علوم انسانی و چگونگی شکل‌گیری رابطه‌ی مؤثر میان دانشگاه به عنوان مرکز آموزش و پژوهش علوم انسانی با نهادها در هیچ‌کدام از نوشته‌ها و با اصطلاح پژوهش‌های با این عنوان مطرح نشده و غالب نوشته‌ها علی‌رغم عنوانی که برایشان انتخاب شده، تنها معطوف به بررسی دانشگاه و نهادهای آموزشی و پژوهشی باقی مانده‌اند.

از طرف دیگر به نظر می‌رسد با توجه به عدم اهمیت این نوع پژوهش‌ها با رویکردهای متمرکز بر علوم انسانی برای دستگاه‌های مختلف، تحقیقات دامنه‌دار و منسجمی که نشان دهنده‌ی نیاز واقعی به دستاوردهای علوم انسانی باشد، از سوی هیچ‌کدام از نهادهای اجرایی کشور طرح و انجام نشده و اگر هم چنین تحقیقاتی در تعداد محدودی از سازمان‌ها وجود داشته باشد، منجر به الگوسازی و استفاده‌ی همه‌گیر میان سایر نهادها و دستگاه‌ها نشده است.^۱

^۱ . نکات ذکر شده برگرفته از منابع ذیل است:

۱. نقش نهادهای کشور در ارتقاء علوم انسانی (دانشگاه‌ها)، اسدالله کارنما، اولین کنگره‌ی ملی علوم انسانی، ۱۳۸۷.
۲. نقش نهادهای کشور در ارتقاء علوم انسانی دانشگاه‌ها و حوزه‌ها، حسین امانیان، اولین کنگره‌ی ملی علوم انسانی، ۱۳۸۷.